

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ جون ۲۰۲۲

زنان، قربانیان اصلی زلزله و جهالت طالب!

جمعه- ۰۳ سرطان ۱۴۰۱ - کابل: در یادداشت روز گذشته، نوشتم که یکی از شرایط کاستن از تلفات حوادث و سوانح طبیعی " موجودیت یک اداره و حاکمیت آگاه، متعهد، فعال و مجهز به دانش و ابزار مبارزه با حوادث... " می باشد، در یادداشت امروز باز هم به پکتیکا و محل سانحه رفته، می بینیم چرا تلفات لحظه به لحظه فزونی می یابد و نقش ویرانگر اداره نظام ملاسالار در تزئید تلفات چیست؟

۱- همان طوری که روز گذشته نگاشتم، ولایت پکتیکا حتا در مقایسه با سایر ولایات افغانستان، یکی از فقیر ترین و عقب مانده ترین ولایات به شمار رفته، راه ارتباط اکثر ولسوالی های آن با "شرنه" مرکز ولایت خاکی و صعب العبور می باشد. در این ولایت اشغالگران در زمان اشغال شان ظاهراً یک شفاخانه با ظرفیت ۷۵ بستر را تجهیز نمودند- با در نظر داشت نفوس مجموعی ولایت در سال ۲۰۲۰ که بیش از ۷ صد و ۷۰ هزار نفر تخمین زده شده است، برای هر ۱۰ هزار نفر یک بستر- این که ظرفیت آن شفاخانه در زمان حاکمیت طالب با طمطراق رسانه ئی به ۱۵۰ بستر ارتقاء یافت، نباید تصور شود که واقعاً گشایش نسبی برای مردم به وجود آمد، زیرا با فرار بیش از ۷۰ درصد پرسونل طبی شفاخانه و قطع کمکهای خارجی و ناتوانی نظام ملاسالار در تجهیز آن، عملاً از این شفاخانه به جز یک ساختمان چرک و کثیف و چند معاون داکتر و پرستار چیز دیگری باقی نماند.

۲- این که در جریان نجات افراد زیر خشت و گل مانده، تعصبات کور فرامذهبی و عقب ماندگی های برخاسته از فرهنگ مرد سالار و نظارت دقیق افراد طالب در منطقه تا دست نامحرمی به بدن یک زن گیر مانده در زیر آوار نخورد، به چه تعداد تلفات زنان و دختران را حین نجات بالا برد، باشد سر جایش؛ یادداشت ما را از جایی آغاز می نمائیم که خانواده ها در عدم موجودیت سرکهای پخته و عدم موجودیت امبولانس با تحمل هزار زحمت قادر شده اند فاصله بین ولسوالی های زلزله زده و کاملاً تخریب شده را طی نموده خود را به شفاخانه مرکزی ولایت در مرکز ولایت یعنی "شرنه" برسانند.

حال شما با شفاخانه ای مواجه می شوید که داکتران آن تقریباً رفته اند و به جز معاون داکتر و پرستار کسی در داخل شفاخانه وجود ندارد، بدبختی زمانی مضاعف می گردد که زخمی و یا زخمیان زن و دختر باشند. از آن جایی که در تمام این شفاخانه حتا یک زن به مثابه معاون داکتر و یا پرستار وجود ندارد و نظام ملاسالار هم هرگونه نزدیک شدن مردان به زنان را "تخریب بنیاد اسلام" می داند، به گفته یکی از افراد حاضر در محل که صحبت کوتاهی با وی داشتم

و قرار شد در فرصت نام و مشخصات افراد تلف شده را دقیق برایم بنویسد، چهار زن زخمی را که از زیر آوار و خشت و گل و قهر طبیعت زنده بیرون کشیده بودند و با هزار زحمت تا شفاخانه رسانده بودند، چون داکتر زن در شفاخانه نبود و طالب هم با لوله تفنگ از ناموس اسلام دفاع می نمود، دم درب شفاخانه جان دادند. آنها جان دادند تا تبارز علنی زن ستیزی کور و حتا ضد اسلامی طالب، با قهر طبیعت یکجا شده درج تاریخ مصیبت بار کشور ما گردد.

۳- آنهائی که امکان پیمودن راه طولانی تا "شرنه" را نداشتند و قریه های نزدیک به مرکز ولسوالی "گیان" بودند، باز هم با تحمل هزار زحمت مریض شان را به "کلینیک صحی" یا "درمانگاه" مرکزی ولسوالی آوردند، بادیدن عکس درمانگاه خود می توانید حدس بزنید که چه در انتظار زخمیان بوده است:



اتاق معاینه درمانگاه مرکزی ولسوالی "گیان" زلزله زده

۴- هموطنان گرامی، فکر نکنید که فقط باشندگان ولایت پکتیکا است که در آتش فقر و جهالت طالب می سوزد، این آتش سوزی و جهل گسترده در ولایت خوست و شفاخانه مرکزی آنجا نیز دست کمی از وضعیت پکتیکا نداشته است. به اساس گزارشات مستند، در تمام شفاخانه خوست فقط یک خانم - معلوم نیست داکتر و یا معاون داکتر و یا پرستار - وجود دارد. از جمع ۴۵۰ زخمی که به شفاخانه انتقال یافته، بیش از ۳۰۰ تن از آنها یا زن اند و یا دختر. حال شما خود بگوئید در چنان وضعیتی یک داکتر زن، چطور می تواند به تمام این زخمیان رسیدگی کند؟ زخمیان را بر مبنای شدت زخم شان تشخیص و زیر مداوی بگیرد؟ تا جایی که امروز یک تن از دوستان از محل شفاخانه خوست و میدان هوایی آنجا گزارش داد، بیشترین تلفات در بین زخمیان مراجعه کننده، زنان اند. زیرا از یک سو داکتر زن در محل وجود ندارد و از جانب دیگر طالب به داکتران مرد اجازه نزدیک شدن به زخمیان زن را نمی داد.

۵- هموطنان گرامی، مصیبت به همین جا خلاصه نمی شود، اوج فاجعه این است که والی ولایت پکتیکا به مشوره اداره امر به معروف آن ولایت، دستور صادر نمودند تا تلاش برای نجات زخمیان در زیر آوار خاتمه یابد. استدلال آنها این است که تلاش جهت بیرون کردن اجساد زنده و یا مرده، احتمال "بی سیرت" شدن زنان مسلمانان را با خود دارد، از همین رو به منظور احتراز از بی سیرتی زخمیان، بهتر است که آنها در زیر همان آوار ها زنده و یا مرده دفن بگردند تا با بی سیرت شدن، کیان اسلام به لرزه نیفتد.

هموطنان گرامی!

این که طبیعت با یک تکان بیش از هزاران تن از هم میهنان ما را کشته و زخمی می سازد، شاید بتوانیم نزد وجدان خود زیاد شرمنده نباشیم زیرا هرچه باشد "زور ما به طبیعت نمی رسد"؛ اما این که نظام ماسالار و طالب با سیاست های ضد انسانی و حتاً قسماً اسلامی شان به هزاران تن از هم میهنان ما را زنده به گور می گذارند و ما در مقابل چنین سیاست هائی سکوت می کنیم و صدای ما بیرون نمی شود، باید بپذیریم که با وجدان خود ما هم مشکل داریم ورنه به چنین مذلت و جنایتی تمکین نمی کردیم.



درمانگاه اضطراری در فضای آزاد برای مردان

فرهنگ زن ستیز طالب، به زنان حق تداوی نیز قایل نیست!

این را باید همه ما بپذیریم، تا زمانی که آگاهانه علیه طالب دست به مبارزه نزنیم و این مولود گورزاد را مجدداً به گورستان تاریخ نفرستیم ما هم در قبال جنایاتی که به وسیله آن ها صورت می گیرد نزد وجدان خود و نزد تاریخ مسؤلیت داریم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!